

**آخرین جلسه دادگاه متهمان به قتل های سریالی زنان قزوین برگزار شد**

آخرین جلسه رسیدگی به پرونده متهم به قتل های سریالی زنان قزوین در شعبه دوم دادگاه کیفری استان قزوین برگزار شد. به گزارش ایسنا در ابتدای جلسه وکیل متهمه ضمن ابراز تأسف از این حادثه دلخراش گفت: باید در این پرونده زوایا و انگیزه قتل آشکار شده تا به درمان قطعی این حادثه پرداخته شود.

وی افزود: از اولیای دم می‌خواهم با توجه به داشتن دو فرزند اثاث متهمه به این متهمه با دید بخشش و عفو بنگرند.

در ادامه جلسه قاضی ناصری، رییس دادگاه از متهمان دیگر این پرونده خواست در جایگاه حاضر شده تا آخرین دفاع از آنان اخذ شود.

یکی از متهمان که اتهام جعل اسناد عادی از قبیل فاکتور طلا و مشارکت با متهمه را داشت در دفاع از خود گفت: اتهام جعل سند را می‌پذیرم که اشتباه بزرگی انجام داده‌ام اما اتهام مشارکت با متهمه را قبول ندارم.

در ادامه دو متهم دیگری نیز به جایگاه آمده و آخرین دفاعیات خود در قبال اتهامات خود از جمله فروش طلای مسروقه را بیان کردند.

قاضی ناصری، رییس دادگاه در خصوص اتهام دیگر این افراد در این پرونده گفت: اتهامات دیگری نیز بر این افراد وارد است که در کیفرخواست مطرح نشده و اظهارنظری نیز صورت نگرفته است اما از طریق مراجع قانونی دیگری رسیدگی خواهد شد.

لشگری، معاون دادستان قزوین به عنوان مدعی العموم در خصوص سوال یکی از اولیای دم در مورد جوابیه پزشکی قانونی در مورد پیدا نکردن ماده بیهوشی در یکی از مقتولین گفت: به دلیل نقص در سیستم آزمایشگاهی، دارو نشان داده نشده بود که پس از بررسی و شواهد پرونده دال بر بی دفاع بودن مقتولین استفاده از داروی بیهوشی توسط مقتول صورت گرفته بود.

یکی از متهمان این پرونده که اتهام خرید طلای مسروقه را داشت در دفاع از خود گفت: من طبق آشنایی ۲۵ ساله با شوهر متهمه و دریافت یک دست خط از ایشان نسبت به خرید طلا اقدام کردم و از سرتقی بودن طلاها اطلاعی نداشتم.

قاضی ناصری در ادامه گفت: دادگاه نسبت به متهمانی که برای اخذ آخرین دفاع به دادگاه نیامده‌اند حکم صادر خواهد کرد و آنان نیز در واقع از حق آخرین دفاع محروم شده‌اند.

در پایان جلسه وکیل متهمه از ریاست دادگاه خواست تا متهمه برای آخرین بار از خود دفاع کند.

متهمه پس از حضور در جایگاه این گونه سخنان خود را شروع کرد که من شرمند همه کسانی هستم که از یک سال پیش عزارشان کرده‌ام. من در حالی این اعمال را انجام می‌دادم که در بدترین شرایط مالی قرار گرفته بودم و هر روز یکی از طلبکاران با حکم جلب در جلوی درب منزل بود.

متهمه ضمن اشاره به اینکه بعضی اوقات از خودم می‌پرسم که آیا تو بودی که این قتل‌ها را انجام می‌دادی؟ اظهار کرد: من کسی بودم که حتی یک نانیه هم دوری بچه‌هایم را تحمل نمی‌کردم اما حالا نمی‌دانم چطور ۹ ماه دوری آنها را تحمل کرده‌ام.

وی افزود: من جایی برای دلسوزی کسی برای خود نگذاشته‌ام، من جرم به این بزرگی را پذیرفته‌ام.

متهمه به اولیای دم رو کرد و گفت: خود می‌دانم که لیاقت بخشش را ندارم اما از شما می‌خواهم که به من فرصت دهید و مدتی بچه‌هایم را به من قرض دهید.

وی با اشاره به این که بچه‌هایش در این ۹ ماه پدرشان را هم از دست داده‌اند، افزود: عاجزانه انتساب می‌کنم تا به من فرصت دهید تا پای دختر ۸ ساله‌ام را مدافا کنم.

متهمه در ادامه گفت: از دادگاه می‌خواهم در صورت طولانی شدن حکم دادگاه برای اعدام اجازه دهد تا خودم از دست این دنیا راحت شوم و هرچه زودتر مرا اعدام کنید.

وی گفت: من دوست ندارم در ذهن بچه‌هایم این بماند که مادرشان اعدام شد و می‌خواهم که اگر می‌شود به طریق دیگری از دست این دنیا خلاص شوم.

متهم به قتل های سریالی زنان قزوین در ادامه در خصوص شخص طلبکار افرادی که به او در خرید داروی بیهوشی یا فروش طلا کمک کرده‌اند، گفت: اگر دست این افراد از جامعه کوتاه شود تمام درها برای افرادی مثل من بسته می‌شود و شاید این اتفاقات نیز نمی‌افتاد.

در پایان قاضی ناصری با بیان این که حکم دادگاه تا هفته آینده صادر می‌شود ختم رسیدگی به این پرونده را اعلام کرد.

**جریمه یک میلیارد ریالی**

**برای یک شرکت متخلف تولید بیسکویت**

یک شرکت تولید بیسکویت در تعزیرات حکومتی تهران به بیش از یک میلیارد ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان تعزیرات حکومتی حسب شکایت سازمان بازرگانی استان تهران علیه یک شرکت خصوصی تولید بیسکویت و فرآورده‌های مشابه دایر بر گرانروشی شش قلم از محصولات خود پرونده‌ای در این رابطه تشکیل شد.

پرونده یاد شده برای رسیدگی و اعمال قانون به شعبه ۱۷ بدوی تعزیرات حکومتی استان تهران ارسال شد.

شعبه مذکور با توجه به محتویات پرونده تخلف انتسابی را محرز تشخیص و مدیر عامل شرکت متخلف را به پرداخت بیش از یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم و پس از تجدید نظر خواهی، رأی صادره در شعبه هفتم تجدید نظر استان تهران نیز تأیید شد.

**با شکایت سازمان بازرگانی خراسان رضوی؛**

**پرونده کشف زعفران تقلبی**

**منجر به پرداخت جزای نقدی شد**

پرونده کشف مقادیری زعفران تقلبی از سوی تعزیرات حکومتی منجر به صدور رای پرداخت جزای نقدی شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان تعزیرات حکومتی حسب گزارش سازمان بازرگانی خراسان رضوی مبنی بر کشف مقادیری زعفران تقلبی، پرونده‌ای در این خصوص تشکیل شد.

پس از انجام تحقیقات مقدماتی و آزمایش‌های لازم پرونده فوق جهت رسیدگی و اعمال قانون به شعبه هفتم تعزیرات حکومتی مشهد ارسال شد.

شعبه مذکور با توجه به محتویات موجود در پرونده تخلف انتسابی را محرز تشخیص و متخلف را علاوه بر مهور کردن پروانه به مهر تخلف اول به پرداخت جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم کرد.

**نمونه آرای محاکم**

**توجه به شاخصه های قانونی در صدور رأی**

**رأی مربوط به آدم ربایی در سمنان**

نوع رأی: جزایی  
 موضوع رأی: آدم ربایی  
 سال صدور رأی: ۱۳۸۵  
 استان محل صدور: سمنان  
 شعبه صادر کننده: شعبه ۱۰۲ محاکم عمومی جزایی سمنان  
 قاضی صادر کننده: آقای عباسی‌نژاد  
 سمت صادر کننده: رئیس دادگاه  
 تأیید رأی: توسط شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور  
**نکات آموزشی رأی:**  
 ۱- رأی دادگاه‌بین‌کننده وقت‌نظر دادگاه در کشف‌واقع‌قضیه است.  
 ۲- رأی دادگاه تبیین‌کننده شرح ملوِّع و چگونگی ارتکاب جرم توسط متهمان است.  
 ۳- رأی دادگاه با استدلال کافی و توجه منطقی تصمیم‌همراه است.

گردش کار: در تاریخ ۹ آذر ۱۳۸۵ کیفرخواستی به محاکم عمومی سمنان تسلیم، به این شعبه ارجاع و به کلاسسه مرقوم ثبت گردید. پس از جری تشریفات قانونی و سرانجام به تاریخ ۲۵ دی ۱۳۸۵ در وقت مقر دادگاه به تصدی امضاکنندگان ذیل تشکیل است، یا بررسی جامع اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

**رأی دادگاه**

درخصوص اتهام آقایان ۱- یوسف ... فرزند محمدعلی، ۲۱ ساله اهل ... ساکن ... مجرد، با صدور قرار قبولی وثیقه آزاد

۲- محمود... فرزند محمد، ۲۰ ساله اهل و ساکن ... با صدور قرار قبولی وثیقه آزاد، متألها با وکالت آقای حمیدرضا ... وکیل پایه یک دادگستری

۳- اسماعیل ... فرزند حسن، ۲۳ ساله اهل و ساکن ... مجرد با صدور قرار قبولی وثیقه آزاد، با وکالت آقای سید غلامرضا ... وکیل دادگستری همگی دایر به شرکت

در آدم‌ربایی با وسیله نقلیه و نیز ارتکاب عمل منافی عفت غیر از زنا نسبت به خانم ... بدین توضیح که خانم ... بیان داشت: روز چهارشنبه ۲۱ دی ۱۳۸۴ ساعت ۲۰ شب به قصد

رفتن به خوابگاه دانشجویی فضیلت از حوالی میدان امیرکبیر به عنوان مسافر سوار پیکان سفید رنگ که حامل

۲ نفر سرنشین به اتفاق راننده بوده و در بین راه راننده مسیر را تغییر داده و به سمت خارج از شهر و کمربندی

حرکت نموده و از شهر خارج می‌شود و به آنها اعتراض نمود که من را به کجا می‌برید، گفتند حالا بنشین بعد تو را می‌رسانیم، من خواهش کردم که من را پیاده کنند انتسابی

نکردند و به مسیر خود ادامه دادند. در هنگام سوار شدن به خودرو آقای ... راننده و آقای ... جلو نشسته و ... در صندلی عقب بغل من نشسته بود و به راننده گفتم بایست و

نگهدار، گفت من از عقبی دستور می‌گیرم و به طی مسیر می‌پردازند. گفت من این که شب برف می‌آمد و هوا سرد بود

می‌خواستم درماشین را باز کنم که سرنشین جلو در را محکم گرفت و بست و ... و نیز بازوی من را گرفت و گفت

اگر دفعه دیگر در را باز کنی توای گوش شما می‌زنم. من دیگر ناامید شدم و حتی از ایشان خواستم که هر چه می‌خواهند پول، موبایل و طلا می‌دهم من را راه کنند که

آنها قبول نکردند و حتی گفتند ما پول می‌دهیم تا تو راضی شوی. در تمام این مدت گریه می‌کردم، ولی اثری نداشت

بعد وارد جاده روستای اروانه شدند. در بین راه جایی که کاملاً تاریک و سرد بود، اتومبیل را نگه‌داشته و گفتند پیاده

شو و اگر می‌خواهی بروی برو؛ ولی اینجا پر از حیوانات مثل گرگ و شمال می‌باشد. ناگزیر در ماشین نشستیم آنها

دوباره جلوتر رفتند در نزدیکی یک مرغداری ایستادند و هر ۳ نفر پیاده شدند. به آنها اعتراض کردم و گفتم من را

برسانید، گفتند می‌خواهیم مشروب بخوریم داخل ماشین بودم که سرنشین کناری من ... به داخل ماشین آمده و به

من تعارف کرد و با من صحبت می‌کرد که من را راضی کند و چون قبول نمی‌کردم و سر و صدا می‌کردم من را

بوسید و پیاده‌شد و دوباره آقای ... سوار شد و دست‌های من را محکم گرفت و پاهای من را به طرف خود کشید و

مشغول باز نمودن دکمه‌های مانو من شد که ناگهان یکی از ۲ نفری که بیرون بود به شیشه زد و ... خود را جمع کرد

و دید نوری از مقابل در حال نزدیک شدن می‌باشد. آقای ... از من خواست سرم را پایین بیاورم من هم کیفم را محکم

با ۲ دستم گرفتم و به محض رسیدن خودرو عبوری خود را از اتومبیل به پایین انداختم و سوار اتومبیل عبوری شدم و خود را نجات دادم.

در بین راه که من را ربوده بودند، راننده اسماعیل ...

من می‌خواهم پیش اسماعیل باشم تا این که ماشین عبوری رسید و خانم ... پیاده شد و جلوی ماشین را گرفت و سوار شد. متهم ردیف دوم آقای ... نیز به‌طور خلاصه بیان نمود که به اتفاق دوستانم ساعت ۶ بعدازظهر در شهیمیرزاد

دختری را که دوست ... بود سوار کردیم، ... گفت، می‌رویم روستای اروانه

منزل پدر بزرگم، شاکمی مقاومتی نکرد و بارضایت کامل به همراه ما آمد. در

۵کیلومتری اروانه ما ۳ نفر از ماشین پیاده شدیم و این خانم داخل ماشین نشستیم بود. با رسیدن ماشین که از طرف اروانه

به سمت سمنان در حال حرکت بود خانم ... در ماشین را باز کرد و پیاده شد و به‌وسیله آن ماشین

رفت.

دستش را روی پای من گذاشته بود.

یکی از متهمان به نام اسماعیل ... می‌گوید: در روز ۲۲ دی ۱۳۸۴ از شهیمیرزاد به اتفاق آقای ... و ... به طرف

سمنان می‌آمدیم که این خانم را در جلوی ایستگاه شهیمیرزادسوار کردیم، آقای ... عقب نشسته بود و با خانم

... مشغول صحبت کردن و خوش و بش کردن بودند. در ورودی شهر سمنان... از من خواست که به طرف روستای

اروانه برویم و چون من فکر می‌کردم این ۲ نفر با هم رفیق می‌باشند قبول کردم و در بین راه خانم ... مدام اعتراض



می‌کرد و می‌خواست خودش را به بیرون بیندازد. در روستای مؤمن آباد وقتی آقای ... برای خرید وسایل خوراکی پیاده شده بود، خانم ... پیاده شد و با تلفن همراه خودش صحبت کرده و حتی به صندلی جلو آمده و با ...

برای نشستن در صندلی جلو جر و بحث کردند و در نهایت خانم ... در صندلی عقب نشست. خانم ... مرتب سر و صدا می‌کرد و نگران بود، از

من می‌خواست که برگردم و آقای ... به او گفت نگران نباش بر می‌گردیم. ماشین را متوقف کردم. من و ... پیاده

شدیم و آقای ... باخانم ... در اتومبیل بودند و ... بعد از چند دقیقه پیاده‌شد و ... نزداو رفت و خانم... با آقای ... سر

و صدا می‌کرد تا این‌که ماشین از رویه‌وروسید و شاکی در را سریع باز نمود و پیاده شد. آقای ... نیز بیان نمود که در شهیمیرزاد تلفن همراه

آقای ... زنگ خوردوقتی که صحبت کرد، آقای ... گفت من با دوست دخترم قرار دارم. در حال برگشت در جلوی

ایستگاه این دختر را سوار کرد. من رفتم عقب نشستم و این خانم در صندلی جلو نشست بعد از رسیدن به سمنان ...

اعلام کرد که می‌خواهیم به روستای اروانه برویم شما هم بیایید که با هم رفیقیم. در بین راه روستای مؤمن آباد من

برای دستشوئی پیاده‌شدم که شاکی نیز پیاده‌شد و شروع به شوخی کردن با من کرد. موقع سوار شدن شاکی جلو

نشست من از او خواستم عقب بنشیند که قبول نکرد و گفت

مصادیق عتف و تهدید و با حیلہ جنبه تمثیل دارد، بنابراین

**با احراز بزهکاری متهمان در خصوص اتهام**

**آدم ربایی و با استناد به ماده ۶۲۱ و رعایت**

**بندهای ۵ و ۲ ماده ۲۲ (به لحاظ گذشت**

**شاکی از ۲ نفر از متهمان و وضع خاص**

**آنان هر یک از متهمان را به پرداخت ۲۰**

**میلیون ریال جزای نقدی و همچنین در**

**مورد اتهام داشتن رابطه نامشروع با شاکیه با**

**استناد به ماده ۶۲۷ قانون مذکور به تحمل**

**۵۰ ضربه شلاق محکوم می‌نماید**

تجدیدنظرخواهی محکومان به شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور ارسال که آن مرجع نیز ضمن احراز بزه آدم‌ربایی، با این استدلال که بدون استناد به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی تعیین مجازات به کمتر از حداکثر قانونی فاقد وجهت

قانونی بوده و همچنین چون درخصوص فعل حرام و تهدید

اظهار نظر نشده است، پرونده را به دادگاه معترض ارجاع داده، اینک بنا به مراتب مذکور و

اظهارات شاکسی، متهمان و دادسرای ایشان و کیفرخواست

دادسرای عمومی و انقلاب سمنان و اظهارات شهود، آقایان... و... داشتند ما در جاده اروانه در حال

حرکت بودیم، کنار جاده پیکان سواری سفید رنگ پارک بود، ۲

نفر کنار ماشین بودند از کنار آنها که رد شدیم چند متر نرفته بودیم در عقب پیکان باز شد و

خانمی خود را به وسط جاده انداخت، ایستادیم و دیدیم خانم از ما کمک می‌خواهد و با حالت مضطرب و لرزان که حتی

نمی‌توانست روی پاهای خود بایستد خود را روی برف کنار کشان به ماشین ما رساند، ما او را بردیم، اسماعیل...

را شناختم و با عنایت به این که هر چند خانم ... در ابتدای سوار شدن با رضایت سوار شده؛ ولی این رضایت برای

سوار شدن به عنوان مسافر بوده و دیری نمی‌پاید که این رضایت زایل شده و به محض تغییر مسیر اتومبیل

اعتراض‌های وی را به دنبال می‌آورد و در بزه آدم ربایی مصادیق عتف و تهدید و با حیلہ جنبه تمثیل دارد، بنابراین

که رد شدیم چند متر نرفته بودیم در عقب پیکان باز شد و خانمی خود را به وسط جاده انداخت، ایستادیم و دیدیم خانم از ما کمک می‌خواهد و با حالت مضطرب و لرزان که حتی نمی‌توانست روی پاهای خود بایستد خود را روی برف کنار کشان به ماشین ما رساند، ما او را بردیم، اسماعیل...

را شناختم و با عنایت به این که هر چند خانم ... در ابتدای سوار شدن با رضایت سوار شده؛ ولی این رضایت برای سوار شدن به عنوان مسافر بوده و دیری نمی‌پاید که این رضایت زایل شده و به محض تغییر مسیر اتومبیل اعتراض‌های وی را به دنبال می‌آورد و در بزه آدم ربایی مصادیق عتف و تهدید و با حیلہ جنبه تمثیل دارد، بنابراین

که رد شدیم چند متر نرفته بودیم در عقب پیکان باز شد و خانمی خود را به وسط جاده انداخت، ایستادیم و دیدیم خانم از ما کمک می‌خواهد و با حالت مضطرب و لرزان که حتی نمی‌توانست روی پاهای خود بایستد خود را روی برف کنار کشان به ماشین ما رساند، ما او را بردیم، اسماعیل...

را شناختم و با عنایت به این که هر چند خانم ... در ابتدای سوار شدن با رضایت سوار شده؛ ولی این رضایت برای سوار شدن به عنوان مسافر بوده و دیری نمی‌پاید که این رضایت زایل شده و به محض تغییر مسیر اتومبیل اعتراض‌های وی را به دنبال می‌آورد و در بزه آدم ربایی مصادیق عتف و تهدید و با حیلہ جنبه تمثیل دارد، بنابراین

که رد شدیم چند متر نرفته بودیم در عقب پیکان باز شد و خانمی خود را به وسط جاده انداخت، ایستادیم و دیدیم خانم از ما کمک می‌خواهد و با حالت مضطرب و لرزان که حتی نمی‌توانست روی پاهای خود بایستد خود را روی برف کنار کشان به ماشین ما رساند، ما او را بردیم، اسماعیل...

را شناختم و با عنایت به این که هر چند خانم ... در ابتدای سوار شدن با رضایت سوار شده؛ ولی این رضایت برای سوار شدن به عنوان مسافر بوده و دیری نمی‌پاید که این رضایت زایل شده و به محض تغییر مسیر اتومبیل اعتراض‌های وی را به دنبال می‌آورد و در بزه آدم ربایی مصادیق عتف و تهدید و با حیلہ جنبه تمثیل دارد، بنابراین

که رد شدیم چند متر نرفته بودیم در عقب پیکان باز شد و خانمی خود را به وسط جاده انداخت، ایستادیم و دیدیم خانم از ما کمک می‌خواهد و با حالت مضطرب و لرزان که حتی نمی‌توانست روی پاهای خود بایستد خود را روی برف کنار کشان به ماشین ما رساند، ما او را بردیم، اسماعیل...

را شناختم و با عنایت به این که هر چند خانم ... در ابتدای سوار شدن با رضایت سوار شده؛ ولی این رضایت برای سوار شدن به عنوان مسافر بوده و دیری نمی‌پاید که این رضایت زایل شده و به محض تغییر مسیر اتومبیل اعتراض‌های وی را به دنبال می‌آورد و در بزه آدم ربایی مصادیق عتف و تهدید و با حیلہ جنبه تمثیل دارد، بنابراین

که رد شدیم چند متر نرفته بودیم در عقب پیکان باز شد و خانمی خود را به وسط جاده انداخت، ایستادیم و دیدیم خانم از ما کمک می‌خواهد و با حالت مضطرب و لرزان که حتی نمی‌توانست روی پاهای خود بایستد خود را روی برف کنار کشان به ماشین ما رساند، ما او را بردیم، اسماعیل...

را شناختم و با عنایت به این که هر چند خانم ... در ابتدای سوار شدن با رضایت سوار شده؛ ولی این رضایت برای سوار شدن به عنوان مسافر بوده و دیری نمی‌پاید که این رضایت زایل شده و به محض تغییر مسیر اتومبیل اعتراض‌های وی را به دنبال می‌آورد و در بزه آدم ربایی مصادیق عتف و تهدید و با حیلہ جنبه تمثیل دارد، بنابراین

که رد شدیم چند متر نرفته بودیم در عقب پیکان باز شد و خانمی خود را به وسط جاده انداخت، ایستادیم و دیدیم خانم از ما کمک می‌خواهد و با حالت مضطرب و لرزان که حتی نمی‌توانست روی پاهای خود بایستد خود را روی برف کنار کشان به ماشین ما رساند، ما او را بردیم، اسماعیل...

را شناختم و با عنایت به این که هر چند خانم ... در ابتدای سوار شدن با رضایت سوار شده؛ ولی این رضایت برای سوار شدن به عنوان مسافر بوده و دیری نمی‌پاید که این رضایت زایل شده و به محض تغییر مسیر اتومبیل اعتراض‌های وی را به دنبال می‌آورد و در بزه آدم ربایی مصادیق عتف و تهدید و با حیلہ جنبه تمثیل دارد، بنابراین

**نمونه آرای محاکم**

**توجه به شاخصه های قانونی در صدور رأی**

ر بودن به هر صورت که باشد وقتی که رضایت مجنی علیه را زایل کند محقق می‌گردد و عدم رضایت مجنی علیه و تحصیل متقلبانه رضایت وی موجب تحقق بزه می‌باشد و با عنایت به اظهارات متناقض متهمان در مراحل مختلف بازجویی که آقای اسماعیل ... شاکیه را دوست آقای ... معرفی کنند و آقایان ... و ... و خانم ... را به دوست دختر آقای ... می‌کنند و حتی مدعی می‌شود که قبل از سوار شدن با تلفن همراه می‌گذارند و این در حالی است که با بررسی پربنت تلفن‌های تمامی متهمان شاکیه نه تنها در روز حادثه بلکه در روزها و ایام قبل از آن نیز با آقای ... و حتی با ۲ متهم دیگر تماس گرفته و ارتباط برقرار نکرده است و با توجه به دفاعیات متهمان و وکلای آنان که اصل رفتن به جاده روستای اروانه را در معیت شاکیه تأیید

**با توجه به این که اظهارات**

**متهمان با اظهارات شاکیه انطباق**

**دارد و صرف نظر از اعلام رضایت**

**شاکیه نسبت به آقایان اسماعیل ...**

**و محمود ... و با عنایت به سایر**

**قراین موجود بزه‌های انتسابی به**

**نامبردگان محرز است**

نموده؛ اما مدعی هستند که وی با میل و رضایت خود به همراه آنان آمده است و حتی در بین راه باوجود این که با تلفن همراه خودش صحبت کرده است چرا تقاضای استمداد ننموده است که این دفاعیات قابل پذیرش نیست، چرا که اگر شاکیه راضی به این موضوع بوده است چرا در هنگام توقف مورد تعرض قرار گرفتن این صورت از جنگ آنان فرار نموده و خود را به اتومبیل آقای ... می‌رساند، بنا به اظهار خانم ... قبل از آن فکر نمی‌کرده موضوع آنقدر جدی باشد که بخواهد به نامزدش در پشت تلفن بگوید که شاید شک او را برانگیزد و باعث ناراحتی و یا اختلاف ایشان شود و با توجه به این که اظهارات متهمان با اظهارات شاکیه انطباق دارد و صرف‌نظر از اعلام رضایت شاکیه نسبت به آقایان اسماعیل ... و محمود ... و با عنایت به سایر قراین موجود بزه‌های انتسابی به نامبردگان محرز است. دادگاه هر یک از متهمانی را به اتهام آدم‌ربایی با وسیله نقلیه که موجب آسیب حیثیتی وی گردیده‌اند به استناد ماده ۴۲ و قسمت اخیر ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی و رعایت بندهای ۲ و ۵ ماده ۲۲ همین قانون به لحاظ وضع خاص متهمان و گذشت شاکیه نسبت به ۲ نفر از متهمان هر یک از متهمان را به پرداخت ۲۰ میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی در حق دولت محکوم می‌نماید. هر یک از متهمان را به اتهام انجام عمل منافی عفت غیر از زنا به استناد ماده ۶۲۷ قانون مجازات اسلامی به تحمل ۵۰ ضربه شلاق تعزیری محکوم می‌نماید و در خصوص دیگر ایراد دیوان عالی کشور مبنی بر اظهار نظر پیرامون موضوع تهدید با توجه به این که درخصوص این اتهام قبلاً در دادسرای عمومی و انقلاب قرار منع تعقیب صادر گردیده، دادگاه با تکلیفی مواجه نمی‌باشد. رای صادر شده حضوری و ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دیوان عالی کشور می‌باشد.

رئیس شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزایی سمنان هادی عباسی‌نژاد

طرفین و وکلای متهمان ختم رسیدگی را اعلام و طی دادنامه شماره ۱۱۳۲ مورخ ۲۳ بهمن ۱۳۸۵ با احراز بزهکاری متهمان درخصوص اتهام آدم ربایی و با استناد به ماده ۶۲۱ و رعایت بندهای ۲ و ۵ ماده ۲۲ (به لحاظ گذشت شاکسی از ۲ نفر از متهمان و وضع خاص آنان) هر یک از متهمان را به پرداخت ۲۰ میلیون ریال جزای نقدی و همچنین در مورد اتهام داشتن رابطه نامشروع با شاکیه با استناد به ماده ۶۲۷ قانون مذکور به تحمل ۵۰ ضربه شلاق محکوم می‌نماید.

خانم شاکیه با تقدیم لایحه‌ای اعلام می‌کند که به آقای ... رضایت نداده و در نهایت صدور رأی شایسته را مطالبه می‌کند... پرونده از این حیث به دیوان عالی کشور ارسال گردیده و تحت نظر قرار دارد.

هیئت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید پس از قرائت گزارش آقای سید حسین جعفری، عضو ممیز و اوراق پرونده دادنامه شماره ۱۱۳۳ مورخ ۱ بهمن ۱۳۸۵ تجدیدنظر خواسته مشاوره نموده، چنین رأی می‌دهند:

**بسمه تعالی**

رأی شعبه

با توجه به محتویات پرونده و رعایت جهات مخففه از سوی دادگاه، درخواست تجدیدنظر با هیچ‌یک از شقوق مذکور در ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری انطباق نداشته و مردود است، ازاین‌رو دادنامه تجدیدنظر خواسته عیناً ابرام می‌گردد.

محمدرضا بروجردی، رئیس و سید حسین جعفری، مستشار

با استناد به ماده ۲۲ قانون مدنی اسلامی به جزای نقدی تبدیل کند؛ بلکه در این گونه موارد دادگاه مکلف است با استناد به ماده ۲۲ قانون یاد شده در صورت وجود کیفیات مخففه، مجازات مخففه را رأی تعیین کند.

**نظریه مشورتی شماره ۷/۳۶۶۴ مورخ ۲۶ تیر ۱۳۸۰ در خصوص آرای وحدت رویه**

**پرشش:**

رای وحدت رویه دیوان عالی کشور که طبق ماده ۲۷۰۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری صادر می‌گردد، از چه زمانی لازم‌الاجرا می‌باشد؟ از زمان صدور رأی یا ۱۵ روز پس از درج در روزنامه رسمی مانند سایر قوانین؟